



به نام خدا

# نگاه شب

شاعر :

اکرم امینیان خبیصی

انتشارات سایه نخل

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)





سرشناسه: امینیان، اکرم، ۱۳۶۵-  
عنوان و نام پدیدآور: نگاه شب/شاعر اکرم امینیان خبیصی.  
مشخصات نشر: کرمان: سایه نخل، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۷۴ص.  
شابک: ۵-۰-۹۰۹۹۶-۶۲۲-۹۷۸-۰  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: بالای عنوان: مجموعه شعر.  
عنوان دیگر: مجموعه شعر.  
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴  
۲۰th century -- Persian poetry  
رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۴  
رده بندی دیویی: ۸۱۶۲/۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۵۲۱۱۹  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نگاه شب  
شاعر: اکرم امینیان خبیصی  
ناشر: انتشارات سایه نخل  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۵-۰-۹۰۹۹۶-۶۲۲-۹۷۸-۰  
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



شروع شعرم از عشق و شور است      تمام بیت هایی که سروده ام از، نورا است  
 عرش و فرش دو واژه ی تضاد هستند      آسمان و زمینی که تا ابد به یاد هستند  
 شرع هم شکسته شدن از حروف شعر      باسه واژه سرودم درخفا از شین و عین و ر

خداوند بزرگ و متعال را سپاس که به من ذوق نوشتن آموخت تا بتوانم قلم به دست بگیرم و با واژه ها و کلمات بر روی کاغذ بازی کنم. و آنچه که ریشه در ذهن و درونم دارد را بر زبان جاری سازم.

شعر گفتن یک هنر است، هنری که از ذهن بر زبان جاری می شود، وقتی که شروع به سرودن شعر می کنیم، تمام ذهن شروع به تراوش کلمات بی نظیری می کند، که روی کاغذ فقط میتوان آن اصطلاحات و احساسات ناب را به نمایش گذاشت. همانطور که می دانید شعر منظر زیبایی و معرفت و لذت و گران بهاترین میراث گذشتگان است، که با خواندن آن، هر انسانی را در افق های دور دست محو می کند.

زمانیکه رقص قلم را بین انگشتان دست احساس می کنیم و دنبال این هستیم تا واژه های بدیع خلق کنیم، و از گل و مرغان چمن و آسمان و عشق و یارو فرشتگان می بسراییم، قدم در جاده های تنهایی می گذاریم و دست در دست نسیم و بوی افاقی هایی را در آسمان و برق چشمان یار را با نغمه خوانی مرغان در سرزمین عاشقان در نیمه های شب بر بال فرشتگان احساس می کنیم.

کتاب نگاه شب شامل دوبیتی هایی است که در قالب غزل سروده شده است.

این مجموعه رو تقدیم میکنم به سه دختر عزیزم (نازنین زهرا، حلیا، حلما) که از جان و دل دوستشان دارم و خوشبختی شان را از صمیم قلب از پرورگار جهان و جهانیان آرزو دارم.

## فهرست اشعار

۱۸ ..... دلدار	۱۳ ..... قبله‌ی حق	۸ ..... ای یار بمان
۱۸ ..... هوای فسون	۱۳ ..... سخن	۸ ..... خیال تو
۱۹ ..... همراز	۱۳ ..... چشم من	۸ ..... میل سفر
۱۹ ..... هیاهوی درون	۱۴ ..... هوای فسون	۸ ..... برق چشم
۱۹ ..... سایه تنهایی شب	۱۴ ..... بذر عشق	۹ ..... نگاه تو
۱۹ ..... رخ زیبا	۱۴ ..... زندگی	۹ ..... اوج نیاز
۱۹ ..... قامت یار	۱۴ ..... یاد تو	۹ ..... درد هجران
۲۰ ..... تقدیم تو باد	۱۴ ..... شوق تو	۹ ..... سپرد و رفت
۲۰ ..... بوسه	۱۵ ..... لعل لب	۹ ..... صدای تو
۲۰ ..... خال هندو	۱۵ ..... سکوت	۱۰ ..... بغض
۲۰ ..... شمیم	۱۵ ..... نغمه‌ی آسمان	۱۰ ..... سوگند
۲۰ ..... آرام جانم	۱۵ ..... بی‌گمان	۱۰ ..... مرا آرزوست
۲۱ ..... شب رویایی	۱۵ ..... قلب خسته	۱۰ ..... معبد عشق
۲۱ ..... یار جاودانه	۱۶ ..... حسرت	۱۰ ..... تنهایی
۲۱ ..... به شوق دیدنت	۱۶ ..... شور عشق	۱۱ ..... عاشق دلبسته
۲۱ ..... تسلیم	۱۶ ..... دل رسوا	۱۱ ..... حکایت
۲۱ ..... جاده	۱۶ ..... ترس	۱۱ ..... یار عاشق
۲۲ ..... حدومرز عشق	۱۶ ..... شور و حال	۱۱ ..... رویای دل
۲۲ ..... خاموشم	۱۷ ..... قرص ماه	۱۱ ..... عطر جان
۲۲ ..... دل سوزان	۱۷ ..... تب عشق	۱۲ ..... خدای عشق
۲۲ ..... به لطف یار	۱۷ ..... حال دلبر	۱۲ ..... عروس شب‌ها
۲۲ ..... دریای خون	۱۷ ..... حدیث عشق	۱۲ ..... جانان من
۲۳ ..... مهتاب	۱۷ ..... درد فراق	۱۲ ..... غم هجران
۲۳ ..... بیقراری	۱۸ ..... حرمت عشق	۱۲ ..... قول دادم
۲۳ ..... راز خورشید	۱۸ ..... رخ	۱۳ ..... درس عشق
۲۳ ..... کوجه ی عشق	۱۸ ..... رد بوسه	۱۳ ..... زخم دل

احساس ..... ۳۵	خواب ..... ۲۹	از دل طوفان ..... ۲۳
شوق پرواز ..... ۳۵	وعده ..... ۲۹	بدون او ..... ۲۴
مغرور ..... ۳۵	مرا دریا ب ..... ۳۰	مدعیان عشق ..... ۲۴
بی تو من ..... ۳۶	مونس ..... ۳۰	دو چشم یار ..... ۲۴
تردید ..... ۳۶	مرغ دل ..... ۳۰	بخت من ..... ۲۴
نقش عشق ..... ۳۶	هوس پرواز ..... ۳۰	غرور ..... ۲۴
نجوا ..... ۳۶	سراب ..... ۳۰	پند ..... ۲۵
فرجام ..... ۳۶	خون چشم ..... ۳۱	آواز ..... ۲۵
دوری ات ..... ۳۷	نگاهت ..... ۳۱	لذت دنیا ..... ۲۵
افکار پوسیده ..... ۳۷	پناه کن ..... ۳۱	غزل ساز ..... ۲۵
محو نگاه ..... ۳۷	غصه و خنده ..... ۳۱	بسته است ..... ۲۵
گذر ..... ۳۷	اسیر ..... ۳۱	نشنیدی ..... ۲۶
باشنو ..... ۳۷	حادثه ..... ۳۲	حسرت ..... ۲۶
سخن ..... ۳۸	آشفته ..... ۳۲	مرا دیدی ..... ۲۶
غرور ..... ۳۸	بذر عشق ..... ۳۲	آواز ..... ۲۶
حرف ..... ۳۸	جادوی چشم خمار ... ۳۲	زل زدم ..... ۲۶
قطره ی باران ..... ۳۸	بوی تنت ..... ۳۲	همساز ..... ۲۷
بر زبان ..... ۳۸	گلشن ..... ۳۳	درد هجران ..... ۲۷
عقده ..... ۳۹	قصه ی رسوایی ..... ۳۳	نشانه ..... ۲۷
شب تار ..... ۳۹	قصد ..... ۳۳	رها ..... ۲۷
خیال تو ..... ۳۹	شب ..... ۳۳	دعا کن ..... ۲۷
طلوع نگاهت ..... ۳۹	دل ویران ..... ۳۳	نهان ..... ۲۸
دعوت کن ..... ۳۹	نفس گرم ..... ۳۴	سایه ..... ۲۸
تپید ..... ۴۰	کابوس ..... ۳۴	آرام کرد ..... ۲۸
نیمه شب ..... ۴۰	آتش عشق ..... ۳۴	نیمه شب ..... ۲۸
مرور ..... ۴۰	شب و روز ..... ۳۴	یاد ..... ۲۸
باور کن ..... ۴۰	بیقرارم ..... ۳۴	عاشق دلبسته ..... ۲۹
مهلت ..... ۴۰	انتظار ..... ۳۵	جنون و مستی ..... ۲۹
لبریز ..... ۴۱	خلوت ..... ۳۵	ناله ی مستانه ..... ۲۹



۵۲ ..... هم پیمان	۴۷ ..... تدبیر	۴۱ ..... چشم قشنگت
۵۳ ..... نشان	۴۷ ..... احیا کن	۴۱ ..... ناز
۵۳ ..... خواب	۴۷ ..... افکار من	۴۱ ..... دل سپرده ام
۵۳ ..... قصه	۴۷ ..... در چشم تو	۴۱ ..... دیدن تو
۵۳ ..... دنیای دلبر	۴۷ ..... شرم دارم	۴۲ ..... سرنوشت کور
۵۳ ..... فردای دگر	۴۸ ..... نیمه شب	۴۲ ..... غرق
۵۴ ..... گسیخته بود	۴۸ ..... غم شرم	۴۲ ..... به جرم عشق
۵۴ ..... دل تو	۴۸ ..... ای کاش	۴۲ ..... هیاهو
۵۴ ..... غزل خوان	۴۸ ..... پیوند	۴۲ ..... به یاد تو
۵۴ ..... حسرت و آه	۴۸ ..... فرج	۴۳ ..... نشانه
۵۴ ..... روح سرگشته	۴۹ ..... آرام	۴۳ ..... درک عشق
۵۵ ..... دیوانه ی عشق تو	۴۹ ..... مونس	۴۳ ..... اسیر
۵۵ ..... خطا	۴۹ ..... نگاه گرم	۴۳ ..... وصله
۵۵ ..... فروغ	۴۹ ..... دنیای ناچیز	۴۳ ..... نگاه
۵۵ ..... باده ی ناب	۴۹ ..... غم روزگار	۴۴ ..... نام
۵۵ ..... نالیدم	۵۰ ..... خالق	۴۴ ..... ذهن
۵۶ ..... ساغر	۵۰ ..... جمله ی تکرار	۴۴ ..... حادثه
۵۶ ..... چشم تو	۵۰ ..... تمنا	۴۴ ..... دل بستم
۵۶ ..... اسیرم	۵۰ ..... سرو سامان	۴۴ ..... نگاه شب
۵۶ ..... نبض	۵۰ ..... حکایت	۴۵ ..... طراوت دریا
۵۶ ..... هم آغوش	۵۱ ..... در نگاهت	۴۵ ..... گریان
۵۷ ..... زیبا صنم	۵۱ ..... غرق رویا	۴۵ ..... سایه ی وسوسه ها
۵۷ ..... ورد زبان	۵۱ ..... وصف تو	۴۵ ..... شیدا
۵۷ ..... مسجد و میخانه	۵۱ ..... شور جوانی	۴۵ ..... دچار
۵۷ ..... لب ساحل	۵۱ ..... احساس ناب	۴۶ ..... جبران
۵۷ ..... چشم تو	۵۲ ..... بدون تو	۴۶ ..... وسوسه
۵۸ ..... نظاره	۵۲ ..... غم عالم	۴۶ ..... بغض سنگین
۵۸ ..... بزم عشق	۵۲ ..... بی وفا	۴۶ ..... تقدیر
۵۸ ..... محبوب شوم	۵۲ ..... در کنار تو	۴۶ ..... خاطره

۷۰ ..... غربت	۶۴ ..... مسیر	۵۸ ..... به درد عشق
۷۰ ..... غوغا	۶۴ ..... آرزو	۵۸ ..... رها کن
۷۰ ..... بدرقه	۶۴ ..... سکوت	۵۹ ..... دلارام
۷۰ ..... بغض	۶۵ ..... امشب	۵۹ ..... در هوای عشق
۷۱ ..... دور گشتی	۶۵ ..... همه‌مه	۵۹ ..... ماه روشن آسمان
۷۱ ..... احساس درون	۶۵ ..... مجنون	۵۹ ..... هر صبح
۷۱ ..... راز	۶۵ ..... مشتاق	۵۹ ..... از یاد او
۷۱ ..... واژه‌ی احساس	۶۵ ..... دلفریبی	۶۰ ..... او رفت
۷۱ ..... خوبی و بدی	۶۶ ..... دل	۶۰ ..... دل داده‌ام
۷۲ ..... می‌بارید	۶۶ ..... تماشا	۶۰ ..... اقبال
۷۲ ..... حس دنیا	۶۶ ..... شوق غزل خوانی	۶۰ ..... غم کهنه
۷۲ ..... بهانه	۶۶ ..... یارمنی	۶۰ ..... باران
۷۲ ..... زندگی	۶۶ ..... شور و غوغا	۶۱ ..... ماه گرفته‌است
۷۲ ..... خواب	۶۷ ..... حصار	۶۱ ..... مرغان چمن
۷۳ ..... در سکوت	۶۷ ..... اعتماد	۶۱ ..... سر جنگ
۷۳ ..... پر از سوال	۶۷ ..... چشم بارانی‌ام	۶۱ ..... احساس
۷۳ ..... قدم	۶۷ ..... غرق در مرداب	۶۱ ..... مشکل
۷۳ ..... آزار	۶۷ ..... بی‌رنگ	۶۲ ..... آزار
۷۳ ..... بدرقه	۶۸ ..... اشک خونین	۶۲ ..... یار عاشق
۷۴ ..... گذر	۶۸ ..... شب‌تار	۶۲ ..... هجر
۷۴ ..... نظر	۶۸ ..... فاصله	۶۲ ..... همنشین
۷۴ ..... عقل و منطق	۶۸ ..... اشک غم	۶۲ ..... عمر
۷۴ ..... سخن از عشق	۶۸ ..... در خواب شدم	۶۳ ..... چشمهای یار
۷۴ ..... حکایت	۶۹ ..... پنهان	۶۳ ..... رویت
	۶۹ ..... حس توهم	۶۳ ..... تب عشق
	۶۹ ..... چشم تو	۶۳ ..... زیر چشمی
	۶۹ ..... منجی	۶۳ ..... دیدن تو
	۶۹ ..... نگاه اشکبار	۶۴ ..... حس غریب
	۷۰ ..... حس غریب	۶۴ ..... زندگی



## ای یار بمان

با من تو برقص تا که شیدا گردم      ای یار بمان که با تو زیبا گردم  
دور تو بگردم و طواف جانانه کنم      با عشق تو من دوباره معنا گردم

## خیال تو

جان مرا شکوفه زد کمال تو      بهار میشود رخ جمال تو  
طلوع در نگاه تو ندیده‌ام      عبور کرده ام من از خیال تو

## میل سفر

برق چشم تو و دیدارت مرا شد آرزو      محو نگاه تو و تکرارت مرا شد آرزو  
دل‌م تا غربت عشقت میل سفر داشت      همه عمر در حسرت و انتظارت مرا شد آرزو

## برق چشم

برق چشمان سیاهش بیقرارم می کند      صحبت از قول و قرارم می کند  
آتشی زد گر گرفت وجود من      هوس ناز من و چشم خمارم می کند



## نگاه تو

آرزوی دیدن چشمانش مرا رویائیسست      بوسه بر لبش زدم که شکوفائیسست  
چشم های سیاه تو را ندیده ام جانا      بهت در نگاه تو دیدنت تماشائیسست

## اوج نیاز

گفته بودی که اوج نیاز منی      تا ابد در کنارم و همراز منی  
گم شدم با شمیم عطر گیسویت      خوب می دانم، تو دل بسته ی ناز منی

## درد هجران

درد هجران و فراق غم یار      دوری و حسرت و کلی انتظار  
یادمان باشد که با معنی عشق      وصف میگردد دلبریِ دلدار

## سپرد و رفت

مرا به دست خاطره ها سپرد و رفت      عجیب و سخت مرا به غم ها سپرد و رفت  
نگفت دلم میشکند ز دردِ مهجوری      چرا مرا بی کس و تنها سپرد و رفت

## صدای تو

ای عشق ای نیاز روزگار من      صدای تو خاطره ی ماندگار من  
عجیب که باد خزان می وزد به گلشن راز      حدیث عشق منی و باغ بهار من



## بغض

در دلم بغض سنگینی نشسته      غصه و درد کوله بارش بسته  
آه نفس سرد سینه ام را سوزاند      افسوس، در فراقش دلم شکسته

## سوگند

سوگند به چشمان سیاه و زلف نازش      سوگند به دستان گیسو نوازش  
ای کاش در عالم همه با ناز برقصند      سوگند به عاشقی که می نوازد سازش

## مرا آرزوست

یاد وعده ی دیدارش مرا آرزوست      دیدن آن رخ ماهش مرا آرزوست  
سپردمش بارها به فراموشی ز، یاد      باز حسرت دیدن چشمانش مرا آرزوست

## معبد عشق

تو همان معبد عشقی که نظاره می کنم      عاشقم، و بر تو من اشاره می کنم  
از تبِ عشق بوسه های داغ او      نفس نفس، دم و بازدم شماره می کنم

## تنهایی

با دیدن او من خدا می دیدم      چشم هایم باز، گفت خطا می دیدم  
درغم تنهایی خود، تمام عمر می سوزم      من تو را بی اختیار در همه جا می دیدم

## عاشق دل‌بسته

گر نظری به من کند غصه برون می شود      عاشق دل‌بسته چرا حال جنون می شود  
بس دلم درد مهجوری و هجران کشید      در فراقش حال من، تنها دگرگون می شود

## حکایت

کرد حکایت از دل یار عاشق      در فراقش شد یار، بیقرار عاشق  
سیل اشک بر گونه جاری می گشت      وقتی که بود دل در انتظار عاشق

## یار عاشق

من که با تو سالها قرار عاشقی دارم      بوسه ی یواشکی و آبدار عاشقی دارم  
بارها در گوش من خواندی و میگفتی      تا ابد چنین یار عاشقی دارم

## رویای دل

در انزوای خویش به تماشای دل نشسته ام      در وصف او محو در رویای دل نشسته ام  
مجال بوسه را به لعل لبش که میدهم      غرق در چشمان او تا پای دل نشسته ام

## عطر جان

جاده ی رو به رویم تا ابد، راهش      عطر جان تو در مسیر همراهش  
کوله ای از عشق و جنون و احساس      دردش سکوت و برب آهش



## خدای عشق

بی یقین خدای عشق تقدیرم کرده      آنچه را که از ازل در مسیرم کرده  
سرمست و دل انگیز و دل شوریده از او      تا ابد چشمان سیاهش اسیرم کرده

## عروس شب ها

بی هدف احساس گل ها میشوم      در سکوت عروس شب ها میشوم  
با ترانه می دهد آواز سر او یک صدا      غرق در آبی ترین آبی دریا میشوم

## جانان من

جان من جانان من ای همدم این جان من      تا کجا دل می کشانی تا ابد در آن من  
تو طبییی درد من درمان نکردی عاقبت      در تب عشقت بسوزد جان من جانان من

## غم هجران

دست من را می گرفت جانان کجا      جاده هموار است راه بی پایان کجا  
جسم فرسوده و بی تاب در فراق      بارها می گفت یارا با غم هجران کجا

## قول دادم

قول دادم به تو شاید که ما، ما بشویم      ای کاش، که باهم راهی فردا بشویم  
کاش تقدیرمان باشد همین یکبار      پس بیاد لبر من تا درون قلب هم جا بشویم